

نقش مدیریت دانش مالی بر کاهش ریسک با تاکید بر نقش سرمایه فکری شرکت (مورد مطالعه: شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)

سید حسام وقفی

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

کبری زرگر

کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

سنودیا شه

کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، تهران، ایران

نویسنده مسئول: سید حسام وقفی ۰۹۱۵۵۳۱۶۸۳۱@vaghfi2020@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش، تحلیل رابطه مدیریت دانش مالی جهت کاهش ریسک شرکت با تاکید بر نقش سرمایه فکری می باشد و بدین جهت از اطلاعات مالی ۱۳۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، انجام گرفته است. برای محاسبه ریسک، از ریسک مالی و برای محاسبه سرمایه فکری از روش ضریب ارزش افزوده فکری مدل پالیکو در نهایت برای محاسبه مدیریت دانش مالی از دانش مالی اعضای هیئت مدیره و کمیته حسابرسی استفاده شده است. نتایج حاصل از فرضیه اول این پژوهش حاکی از این است که دانش مالی هیئت مدیره تاثیر معناداری بر کاهش ریسک مالی شرکت دارد. همچنین نتایج فرضیه دوم نشان می دهد که دانش مالی کمیته حسابرسی بر کاهش ریسک مالی شرکت تاثیر معنی داری دارد. همچنین باتوجه به ضریب منفی سرمایه فکری و سطح معناداری این متغیر نتیجه می گیریم که سرمایه فکری هم رابطه منفی و معناداری با ریسک مالی شرکت دارد. کلمات کلیدی: مدیریت دانش مالی؛ سرمایه فکری؛ ریسک مالی؛ دانش مالی کمیته حسابرسی؛ دانش مالی هیئت مدیره.

۱. مقدمه

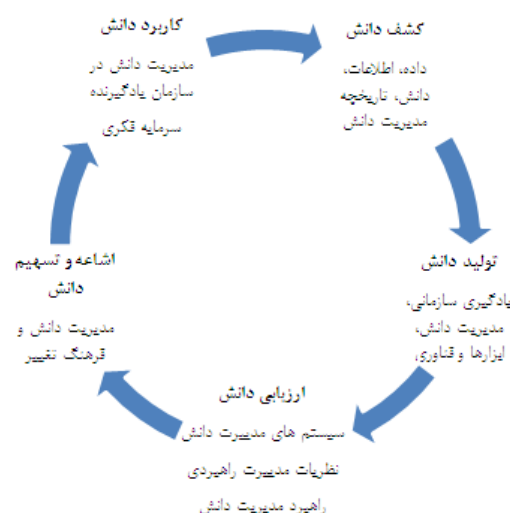
سازمان های امروزی، اهمیت بیشتری برای درک بهتر، تطبیق و مدیریت تغییر محیط اطراف قائل شده اند و همیشه برای کسب و استفاده از دانش و اطلاعات روز، برای بهتر شدن کارها و دادن خدمات و کالاهای بهتر، به مشتریان قدم بر میدارند. این سازمان ها نیاز دارند تا مدل جدیدی از مدیریت به نام مدیریت دانش مالی را استفاده کنند. مدیریت دانش مالی، مدیریت صریح و سیستماتیک دانش حیاتی و فرایندهای بهم پیوسته آن یعنی تولید، سازماندهی، پخش، استفاده و بهره برداری از دانش با پیشروی در اهداف کسب و کار است. سازمان ها به شکل فزاینده ای متمرکز هستند. دانش منبعی حیاتی است که به آنها مزیت رقابتی می دهد و به عملیات شان ارزش می بخشد. با این حال بسیاری از شرکت ها به اندازه ای که به امور مالی خود توجه می کنند، به مدیریت دانش مالی شان توجه کافی ندارند. مدیریت دانش مالی روشی نظام مند و منسجم است که از فناوری های اطلاعاتی و واکنش های انسانی به صورت ترکیبی استفاده می کند. تا بتواند سرمایه های اطلاعاتی سازمان را مورد بررسی قرار دهد، مدیریت کند و بین اجزا سازمان به نحو درست تقسیم بندی کند. این دارایی ها شامل سیاست ها، پایگاه های اطلاعاتی، اسناد و شیوه های به کارگیری این سرمایه ها می باشد. به علاوه دانش آشکار و دانش ضمنی کارکنان را نیز در برمی گیرد و از روش های زیاد و دارای تنوع برای گرفتن، ذخیره کردن و سهم بندی کردن این دانش در سازمان استفاده می کند. از هدف های روشن مدیریت دانش مالی، ارزش سازی برای سازمان ها است. کسانی که در حیطه دانش فعالیت می کنند از روش های معمولی و شناخته شده تری استفاده می کنند یکی از این راه ها، حمایت از تصمیمات کارآمد است. برخی از سازمان های غیرانتفاعی، خیریه ها و سازمان های دولتی، به روش های غیرمالی برای سازمان خود ارزش آفرینی میکنند بنابراین تنها از روش اقتصادی برای سازمانها ایجاد ارزش نمیکند بلکه با روش های غیر مالی نیز می توان شرکت را به ارزش رساند. آنها سرمایه اجتماعی را در شرکت بنیان می گذارند. پیش نیاز مدیریت دانش مالی در سازمان، دانش کسانی است که با تصمیم گیری مفید و درست می توانند شرکت را به ارزش برسانند [57]. در قرن ۲۱، با تغییرات مداوم فناوری و چالش های مهم در سازمانها، با ارزش ترین دارایی یک سازمان برای ایجاد مزیت رقابتی و نوآوری، دانش، کارگران و بهره وری است. در حقیقت، دانش یکی از صلاحیت های اصلی سازمان است که با مدیریت دانش مالی بهبود می یابد [68] مدیریت دانش مالی، محصول تعامل فکری همه کارکنان باهدف دستیابی به اهداف مشترک و تأیید ارزش ها و باورهای سازمان است [46]. این مفهوم نشان دهنده زیرساختهای مدیریتی یک سازمان است که شامل هفت عنصر ارزش های مشترک، راهبرد، ساختار، سامانه ها، کارکنان، سبک و مهارت ها می باشد [54]. با ورود به هزاره سوم میلادی، آنچه بیش از همه اهمیت دارد، توسعه دانش و دانش محور در سازمان ها است. امروزه با پیدایش اقتصاد بر مبنای آگاهی و دانش و ورود اقتصاد بر پایه دانش و سیستماتیک، سرمایه فکری پایه اصلی حرکت به سمت کسب و کار دانش بنیان و اقتصاد دانایی شده است [53]. در دنیای امروز، کشورهای توسعه یافته از طریق به وجود آوردن دانش جدید، ثروتمند می شوند. به این

دلیل، گسترش سرمایه فکری با اهمیت ترین فایده رقابتی بین سازمان ها است که باعث می شود افکار جدید تولید شده و کارآفرینی پابرجا شود و شرکت توسعه بیشتری یابد [22]. بنابراین، به دلیل اهمیت نقش مدیریت دانش مالی بر کاهش ریسک در شرکت ها، پژوهش حاضر به بررسی تاثیر مدیریت دانش مالی هیئت مدیره و کمیته حسابرسی بر ریسک شرکت های بورس اوراق بهادار پرداخته است. تا از این طریق نقش و اهمیت ارزش آفرینی مدیریت دانش مالی بر کاهش ریسک را بررسی نماییم. و اینکه، آیا مدیریت دانش مالی توانایی کاهش ریسک را دارد یا خیر، در صورتیکه چنین قابلیتی در مدیریت دانش مالی هیئت مدیره، کمیته حسابرسی و سرمایه فکری وجود داشته باشد، اثر آن بر کاهش ریسک چقدر است؟ پس ساختار مقاله بدین ترتیب شکل گرفته است: ابتدا مفهوم مدیریت دانش مالی و فواید آن معرفی می شود. بعد از مروری بر مبانی نظری، تخصص کمیته حسابرسی و سرمایه فکری بیان شده و پس از آن به فرضیه های پژوهش و نحو محاسبه متغیرهای پژوهش پرداخته می شود. بخش بعد یافته های پژوهش، گزارش و تفسیر خواهد شد و بخش پایانی تحقیق نیز به نتیجه گیری و پیشنهادهای پژوهش اختصاص داده شده است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲.۱. تعاریف مدیریت دانش مالی

امروزه سرمایه فکری هوشمند و با آگاهی به عنوان با ارزش ترین ثروت هر سازمان، با توجه به نقش با اهمیت جدید بودن و خلاق بودن افکار کارکنان، خلق فرایندهای سازمانی نوین، فناوری های جدید و توسعه محصولات و خدمات جدید، سازمان را به مزیت رقابتی پایدار رهنمون می سازند. تلاش های نوآورانه در سازمان، نتیجه سرمایه گذاری هدفمند در فرایند یادگیری و ارتقای مدیریت دانش مالی است. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، به طور عام، جامعه بشری و به طور خاص، سازمان های مختلف را در وضعیتی قرار داده است که برای ادامه حیات باید در پی یافتن ابزارها و راه کارهای نوین متناسب با شرایط حاکم باشند. زمانی سازمان ها به دنبال کسب و یافتن اطلاعات و دانش بودند، اما امروزه با حجمی از اطلاعات و داده های گوناگون روبرو هستند که در بسیاری موارد طبقه بندی، تلخیص و بهره برداری صحیح از آنها نیازمند اتخاذ تدابیر و تجهیزات مغز افزاری، سخت افزاری و نرم افزاری مرتبط است. شاید به همین دلیل است که مدیریت دانش مالی، جایگاه خاصی در متون و ادبیات مدیریت یافته و نظر صاحب نظران امر را به توسعه فنون و راه کارهای مرتبط به سوی خود جلب کرده است [24]. در این قسمت تعاریف متنوعی از مدیریت دانش مالی ارائه شده است: مدیریت دانش مالی فرایندی است که باعث ایجاد ارزش و شهرت با استفاده از سرمایه فکری می کند [56]. مدیریت دانش مالی، باعث می شود گنج پنهانی که در فکر اعضای سازمان هست قابل دسترسی و استفاده شود [36]. مدیریت دانش مالی، روشی نظام یافته است که با انسجام، شناسایی، بررسی و ارزیابی، ذخیره، و استفاده دانش به منظور تأمین نیازها و هدف های سازمان تلاش میکند [1]. مدیریت دانش مالی روشی است که به سازمان برای پیدا کردن، انتخاب کردن، تقسیم و منتقل کردن دانش و آگاهی مورد نیاز برای فعالیتهایی که شامل یادگیری فعالانه، حل مسئله، برنامه ریزی هدفمند و تصمیم گیری باری می رساند [41]. مدیریت دانش مالی، فرایند ایجاد و تقسیم دانش به شکلی است که با شیوه های اثربخش می توان آن را در سازمان استفاده کرد [42]. مدیریت دانش مالی، دربرگیرنده تمام روش هایی است که سازمان، دارایی های دانشی خود را مدیریت می کند و شامل چگونگی جمع کردن، ذخیره کردن، منتقل کردن، استفاده، نوآوری و به وجود آوردن دانش است [68]. الگوی معمولی مدیریت دانش مالی در سازمان شامل چهار جز زیر می باشد که در شکل نشان داده شده است:



شکل (۱) چرخه مدیریت دانش مالی در سازمان [15]

۲.۲. مزایای مدیریت دانش مالی

تبدیل سرمایه های فکری منسجم و مفید از مزایای مدیریت دانش مالی موثر هست [23] سازمانهایی در محیط اقتصادی امروز موفق خواهند بود که بتوانند از طریق کم کردن کنترل و افزایش یادگیری تولید مزیت رقابتی کنند که این خود از طریق به وجود آوردن و سهیم شدن مداوم با دانش جدید به

دست می‌آید. از فواید مدیریت دانش مالی می‌توان به بهتر شدن تصمیم‌گیری، منعطف شدن بیشتر، بالا بردن سود، کم کردن فشار کاری، بالا بردن فایده برای سازمان، ایجاد موقعیت‌های نوکسب و کار، کم کردن خرج‌ها، سهم بازار زیاد و بهتر شدن انگیزه کارکنان اشاره کرد [3].

۳.۲. دانش مالی هیات مدیره و کمیته حسابداری

هیئت مدیره یکی از ارکان حاکمیت در شرکت‌های امروزی به شمار می‌رود که اغلب از آنها به عنوان اهرم اجرایی اصول حاکمیتی شرکت و مسئول نظارت و سیاست‌گذاری در شرکت‌ها یاد می‌شود. اعضای هیئت مدیره اغلب توسط مالکان سهام انتخاب می‌شوند، در حالی که در برخی سیستم‌های حاکمیتی نوین، مجموعه نظرات کارکنان، نهادهای دولتی، سرمایه‌گذاران و عرضه‌کنندگان نیز در انتخاب آنان تأثیرگذار است. از طرفی هیات مدیره غالباً گروهی از افرادند که حق نظارت، کنترل، سیاست‌گذاری‌های کلان و راهبری بر یک شرکت خاص را در اختیار دارند. این مجموعه از افراد (در قالب یک تیم کاری اثر بخش) می‌بایست سلامت شرکت را در حوزه‌های متنوعی همچون عملکرد مالی مناسب، قانونی بودن فعالیت‌ها، تناسب فرآیندها و اقدامات صورت پذیرفته شرکت با اهداف راهبردی شرکت، تضمین نمایند [14]. کمیته حسابداری کمیته‌ای تشکیل شده از مدیران ارشد، که برخی از مسئولیت‌های کمیته را به عهده می‌گیرند. مسئولیت‌های کمیته حسابداری عبارتند از: نظارت بر گزارشگری مالی و ضمانت درستی گزارشگری مالی، بررسی مداوم کنترل‌های داخلی و فرایند حسابداری، نظارت بر اعمال حسابداری و انتخاب حسابرس مستقل. در مورد نظارت بر اختیار مالی مدیریت، این کمیته حسابداری است که احتمالاً در حفظ اعتبار صورت‌های مالی شرکت، بیشترین حمایت را از سهامداران می‌کند. این امر به دلیل نظارت تخصصی بر گزارشگری مالی و فعالیت‌های حسابداری از سوی کمیته حسابداری است. انتظار می‌رود کمیته حسابداری برای نظارت مالی اثر بخش بر قدرت مالی مدیریت، فرایند گزارشگری مالی را بازبینی و همچنین، جریان اطلاعات بین هیئت مدیره، حسابرسان درون سازمانی و برون سازمانی و مدیریت را تسهیل کند [33]. کمیته حسابداری یکی از عوامل نظارت عالی برای بهتر شدن کیفیت گزارشگری سیستم کنترل داخلی است که موجب کم شدن هزینه نمایندگی می‌شود [40]. برای اینکه کمیته حسابداری موثر باشد اعضای کمیته حسابداری نیاز دارند تا موضوعات متنوع مالی و عملیاتی را که مدیریت شرکت با آن روبرو می‌شود درک کنند کمیته بلو ربون [29] دانش مالی را داشتن توانایی لازم برای مطالعه و درک صورت‌های مالی اساسی تعریف کرده است در این راستا پژوهش ابوت و همکاران (۲۰۰۴) [27] نیز تأییدی بر این ادعای کمیته بلوربیون است که یک کمیته حسابداری اثربخش حداقل باید متشکل از یک فرد با تخصص مالی باشد. به گفته عثمان و همکاران (۲۰۱۴) [59] اگر اعضای کمیته حسابداری، حسابداری، کنترل داخلی و گزارشگری مالی تخصص داشته باشند اثربخشی بیشتری در فعالیت‌های خود خواهند داشت. بنابراین بند یک ماده ۵۱ منشور کمیته حسابداری سازمان بورس اوراق بهادار ایران ۱۳۹۱ اکثریت اعضای کمیته حسابداری باید تخصص مالی داشته باشند (اعضای کمیته حسابداری و حسابداری نخواهند بود) [47]. به همین جهت اگر حسابرس مستقل مشاهده کند که اعضای کمیته حسابداری دارای دانش فنی لازم برای فهم حسابداری و گزارشگری مالی نیستند ممکن است نقش نظارتی کمیته حسابداری را نادیده بگیرد [32]. و در آخر اینکه اگر اعضای کمیته حسابداری دارای تخصص مالی باشند درک بهتری از قضاوت‌های حسابداری و اختلاف نظرهای موجود بین حسابرس مستقل و مدیریت دارند و موجب افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شوند [49]. تخصص اعضای کمیته حسابداری، تجدید ارائه صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد یعنی چنانچه در کمیته حسابداری حداقل یک عضو دارای آگاهی و تخصص حضور داشته باشد احتمال بیشتری وجود دارد که برنامه واحد حسابداری داخلی و نتایج آن را درک کند [61]. این موضوع نشان می‌دهد که ساز و کارها برای اطمینان از مسئولیت پذیری شرکت در جای درست به کار گرفته شده و اثربخشی کنترل‌های داخلی در شناسایی و پیشگیری از ارائه‌های نادرست مهم را افزایش می‌دهد [26]. همچنین تخصص اعضای کمیته حسابداری درک بهتر مسائل ریسک‌های حسابداری و رویه‌های پیشنهادی حسابرس برای شناسایی این مسائل و ریسک آن را تسهیل می‌بخشد بنابراین تخصص اعضای کمیته حسابداری ممکن است در ارتباط با افزایش دامنه حسابداری مستقل برای شناسایی ارائه‌های نادرست با اهمیت باشد در نهایت دانش اعضای کمیته حسابداری، احتمال اطلاع‌رسانی به کمیته حسابداری و اصلاح به موقع ارائه‌های نادرست و اهمیت شناسایی شده را افزایش می‌دهد [34]. معیارهای اندازه‌گیری تخصص مالی عبارتند از: تجربه کاری (طول دوره تصدی حداقل ۵ سال مدیرعامل در شرکت مورد مطالعه)، تحصیلات دانشگاهی (دارای حداقل مدرک کارشناسی رشته‌های مالی از قبیل حسابداری، اقتصاد، مدیریت) و تجربه حرفه‌ای (دارای گواهینامه‌های حسابداری). بازار بورس اوراق بهادار به طور واضح محیطی است که مستلزم دانش و تخصص مالی برای اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری است. وقتی مدیر شناخت خوبی از لحاظ ادبیات مالی، راهبردهای سرمایه‌گذاری و نتایج ضمنی راهبردهای تأمین مالی داشته باشد، احتمال رفتارهای ناعاقلانه از جانب او کاهش می‌یابد. برخلاف این، مدیرعاملی که دانش غیرمالی دارد، ممکن است سرمایه‌گذاری‌های نقدی سازمان را افزایش دهد. به این دلیل که چنین مدیری روحیه مالی مناسب ندارد [17].

۴.۲. ریسک مالی

در اکثر مواقع بازدهی و ریسک بایکدیگر مدنظر قرار می‌گیرند و در واقع این دو جز ارکان اساسی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری خواهند بود [9]. از جمله با اهمیت‌ترین ریسک‌ها برای تصمیم‌گیری مالی و سرمایه‌گذاری از دیدگاه اعتباردهندگان، مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران ریسک مالی می‌باشد. ارتباط بین اطلاعات مالی و ریسک، یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در زمینه مالی است. اطلاعات دارای کیفیت بیشتر در اکثر مواقع با عدم اطمینان و

ریسک کمتر روبرو است و افراد پول بیشتری پرداخت می‌کنند تا به اطمینان بالاتر و ریسک کمتر دست یابند. واحدهای تجاری با افشای اطلاعات با کیفیت موجب می‌شوند؛ عدم اطمینان سرمایه‌گذاران به سهام آنها کاهش یافته و تمایل برای معامله سهام افزایش یابد که این امر به کاهش ریسک و پیرو آن، بازدهی بالای سهام می‌انجامد و در نتیجه هزینه سرمایه واحد تجاری نیز کم می‌شود [51]. افشای اطلاعات با کیفیت، باعث می‌شود عدم اطمینان سرمایه‌گذاران در ارتباط با بررسی ریسک مالی کاهش یابد و با تعویض ریسک، سرمایه‌گذاران نرخ بازده مدنظر خود را متناسب با آن متعادل خواهند کرد [50]. ریسک مالی قسمتی از تغییر پذیری در بازده یک دارایی است که با عواملی که به طور هم‌زمان در قیمت اوراق بهادار کل بازار تاثیر می‌گذارد حاصل می‌شود، افشای اطلاعات با کیفیت افزوده می‌شود و تخمین حاصل از این برآوردها، سرمایه‌گذاران را درباره ریسک پارامترهای توزیع بازده یک دارایی کاهش می‌دهد. هپ و توماس (۲۰۰۸) [43] نشان می‌دهند که بهبود گزارشگری که حاصل دانش و آگاهی مدیران است باعث می‌شود عدم تقارن اطلاعاتی صورت گیرد و ریسک اطلاعاتی را کم کند [55]. یکی از نکات مهم برای ممانعت از شکست سازمان، بهتر کردن مدیریت دانش مالیاز طریق کنترل های درون سازمانی است. سیستم‌های کنترل سنتی (انفعالی) برای مدیریت ریسک کافی نبوده و مدیریت دانش مالی پویا، برای مدیریت اثربخش ریسک ضروری است. به منظور جلوگیری از بروز تعبیر اشتباه دانش، بایستی نظارت کافی صورت پذیرد. همچنین مدیران باید کارکنان خود را جهت درک و تعبیر درست دانش، آموزش دهند. دانش مورد نیاز را به کسانی که در شرکت نقش تصمیم‌گیرنده دارند منتقل کنند و برای اطمینان از اینکه که کارکنان از آن دانش استفاده می‌کنند ضمانت دهند. کنترل های درون سازمانی یکی از راه‌های اثربخشی است که برای رویارویی با بازار جدید، واکنش سریع نسبت به تغییرات بازار، انعطاف پذیری و قضاوت بهتر در رویارویی بامشکلات ریسکی، در سازمان وجود دارد [3]. در این زمینه نتایج تحقیقات باتوا (۲۰۱۵) [28] نشان می‌دهد شرکت‌هایی که مدیران متخصص و با تجربه دارند از این جهت که با اصول و استانداردهای حسابداری آشنا هستند نسبت به بقیه شرکت‌ها، کیفیت صورت‌های مالی بالاتر است و دانش مالی مدیران موجب کاهش ریسک شرکت شود.

۵.۲. سرمایه فکری

سرمایه فکری متشکل از دارایی های انسانی، دارایی های نامشهود و تمام زیربناهایی است، که به سازمان کمک می‌کند تا وظایفش را به درستی انجام دهد [67]. سازمان‌هایی که دارای سطوح بالای سرمایه فکری می‌باشند؛ نقش اساسی در شدت و نوع رقابت در یک محیط رقابتی دارند. اغلب سازمان‌های بزرگ امروزه دریافته‌اند که به‌خاطر مهارت‌ها و تخصص نیروی انسانی‌شان برتری خواهند داشت و نه به دلیل داشتن سرمایه پولی و فیزیکی زیادتیر. در این بازار رقابتی سازمان‌ها باید تخصص کارکنان شان را بالا ببرند تا از رقابت با سایر سازمان‌ها عقب نمانند [63]. تعاریف مختلفی در رابطه با سرمایه فکری وجود دارد، با این وجود سرمایه فکری را این‌گونه می‌توان تعریف نمود: مجموع دارایی‌های غیرقابل دید در شرکت، که در ترازنامه نمایش داده نمی‌شود و شامل آن چیزی است که در مغز اعضای سازمان است و هم آن چیزی که بعد از خروج افراد در سازمان باقی می‌ماند. این دارایی‌ها شامل سرمایه ذهنی مانند استعداد، مهارت‌ها، دانش و سرمایه اطلاعاتی مانند پایگاههای داده، سیستم‌های اطلاعاتی و زیرساخت‌های فناوری، سرمایه سازمانی مانند فرهنگ، شیوه رهبری و توانایی توزیع دانش است. محققان سه جزء اصلی سرمایه فکری را سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه مشتری (رابطه ای) شناسایی کرده اند. سرمایه انسانی اولین و مهم ترین جزء سرمایه‌های پنهان و نامشهود است و تا کنون طبقه‌بندی های مختلفی از سرمایه‌های فکری ارائه شده است که همگی در جزئی به نام سرمایه انسانی که شامل دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های کارکنان است، متفق القول هستند. سرمایه فکری جزء جدایی ناپذیری از کارکنان است و نمی‌تواند به وسیله سازمان تملک شود. مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه فکری، شایستگی حرفه ای و تخصصی کارکنان کلیدی، تحصیلات، تجربه، تعداد افراد با تجربه‌های قبلی مرتبط و همچنین، توزیع دقیق مسئولیت‌ها در ارتباط با مشتریان است [20]. تاکنون تعاریف متعددی از سرمایه فکری ارائه شده است که کامل‌ترین این تعاریف تعریفی است که استوارت (۱۹۹۱) [66] عنوان کرده است: سرمایه فکری یک مجموعه ای مفید از دانش برای سازمان است در تفسیر این تعریف استوارت بر این باور است که در این مجموعه دانشی ساختار فرآیندهای سازمانی، فناوری‌ها، امتیازات انحصاری، مهارت کارکنان و اطلاعات مشتریان و تامین کنندگان و ذینفعان سازمانی قرار دارد. سرمایه فکری یک جریان دانشی در درون یک سازمان است [35]. دانشی که می‌تواند برای سازمان تولید ارزش کند سرمایه فکری نامیده می‌شود [38]. از دیدگاه کلی سرمایه فکری برای ایجاد و افزایش ارزش در سازمان استفاده می‌شود و با تخصص و توانایی مدیریت این منابع کمیاب تحت کنترل سازمان قرار می‌گیرد [31]. نظریه پردازان سرمایه ی فکری معتقدند که سرمایه ی فکری به صورت تخصص، مهارت و دانایی در افراد تجسم یافته است سطح تولیدات، کیفیت خدمات و میزان درآمد را افزایش داده و بسیاری از تصمیمات آنها را در کلیه زمینه‌های کاری تحت تاثیر قرار می‌دهد [16]. سرمایه با کیفیت و مداوم در سازمان‌ها، سرمایه فکری است بنابراین زمان ارائه خدمات این سرمایه کوتاه است. سرمایه ی فکری نیز نیاز به نگهداری و در صورت لزوم تعمیر، ترمیم و تعویض دارد تا مانند سرمایه های مادی بیکار و یا مورد اتلاف قرار نگیرد. این نوع سرمایه نیز چنانچه نتواند خود را با تغییرات فناورانه تطبیق دهد قبل از استهلاک از دور یا رده خارج میشود. هنگامی که از تشکیل سرمایه ی فکری صحبت میشود زمانی است که سرمایه گذاری‌های مالی (چه به صورت مخارج تحصیلی و چه به صورت فداکاری و هزینه فرصت از دست رفته) صورت پذیرفته تا تغییرات و تحولاتی در افکار و افعال فرد به وجود آورد. این تغییرات و تحولات که در درون افراد متبلور شده و قابل جدا شدن نمیباشد آنان را قادر می‌سازد تا، یک: کالاها و خدمات بیشتر و با کیفیت بهتری تولید کنند؛ دو: درآمدهای پولی بالاتری به دست آورند؛ سه: درآمدهای خود را عاقلانه تر مصرف کنند؛ چهار: از زندگی لذت بیشتری ببرند (درآمدها و رضایت مندیهای غیر مادی) [21]. سرمایه فکری به لحاظ افزایش عملکرد سازمانی و سودآوری سازمانی اهمیت دارد [39]. با توجه به مطالعات

بنیتس (۲۰۰۰) [30]، می‌توان نتیجه گرفت که صرف نظر از صنعتی که در آن یک سازمان فعالیت می‌کند، سرمایه فکری ارتباط معنی داری با عملکرد شرکت دارد. با افزایش سرمایه فکری، الزام گزارشگری مالی ممکن است افزایش یابد، اما ارزش شرکت را نیز افزایش می‌دهد. دارایی‌های معنوی ارزشمند در یک سازمان می‌تواند مسائل برجسته‌ای را حل کند مانند: سیاست ریسک، نظارت بر کنترل داخلی، مسئولیت‌پذیری و گزارش‌دهی به سهامداران، راهبرد هیئت مدیره و نظارت بر مدیریت ارشد [48]. بسیاری از واکنش‌هایی که مدیران سازمان‌ها به ریسک دارند، از فرهنگ موجود در سازمان‌ها ناشی می‌شود. ابزارهای دانشی، کنترلی و ساختارهای جدید سازمانی فرهنگ جدیدی را در سازمان ایجاد می‌کنند که در نتیجه آن تصمیم‌سازی ارزش‌آفرین خواهد شد. لکن تلاش‌های آشکار به منظور رواج این فرهنگ همواره لازم است. دانش و مهارت هیچگاه جایگزین انگیزش نخواهد شد مگر آنکه فرهنگ اثر بخشی در سازمان موجود باشد. مدیریت دانش مالی برای هر چه بیشتر موثر بودن، بایستی با تغییرات سازمانی هم‌دوش شود. در اولین قدم، سازمانها می‌توانند بخشی مستقل و متمرکز از نیروهای متخصص جهت مدیریت ریسک در سازمان ایجاد کنند [3].

۶.۲. پیشینه پژوهش

شرفی و همکاران (۱۳۹۹) [11] در مقاله خود با عنوان ارائه مدل مفهومی مدیریت دانش اجتماعی با استفاده از روش فراترکیب یافته‌ها نشان داد که مؤلفه‌های مدیریت دانش اجتماعی شامل سرمایه فکری (انسانی، ساختاری و ارتباطی)، سرمایه اجتماعی (ساختاری، شناختی و رابطه‌ای)، مدیریت دانش مالی (ابعاد دانش، انواع دانش، فرآیندهای مدیریت دانش مالی، تبدیل دانش، اکوسیستم دانش و موانع آن)، ارتباطات (جمعی و فردی)، یادگیری (فردی، جمعی و سبک‌های یادگیری)، رهبری (مهارت‌های مدیریتی و سبک‌های مدیریتی)، فرهنگ (اعتماد و علاقه و انگیزه)؛ و فناوری (رسانه‌های جمعی، وب معنایی، نرم افزارهای اجتماعی و سیستم‌های مدیریت اطلاعات و دانش) است. همچنین یافته‌ها نشان داد که مدل مفهومی مدیریت دانش اجتماعی متشکل از مؤلفه‌های دانش، سرمایه اجتماعی و فکری است که عوامل ارتباطی، فرهنگی، فناوری و رهبری نیز در آن دخیل هستند و تمام این عوامل بر روی هم اثرگذار هستند. طحان پور و آرائی (۱۳۹۹) [13] در پژوهش خود تحت عنوان بررسی اثرات توانمندی مدیریت دانش بر رفتارهای سازمان با در نظر گرفتن نقش میانجی فرایند ایجاد دانش و نقش تعدیل گر سبک‌های تصمیم‌گیری دریافتند که مدیریت دانش مالی بر رفتارهای کارکنان در سازمان با در نظر گرفتن رابطه واسطه‌ای فرایند ایجاد دانش تأثیر دارد و متغیر سبک‌های تصمیم‌گیری شهودی و عقلایی رابطه فرایند ایجاد دانش و عملکرد سازمانی را به شکل معناداری تعدیل می‌کند. رازینی و سینا (۱۳۹۷) [7] در پژوهش خود تحت عنوان گزارش تقسیم بندی کامل از موضوعات مهم و مؤثر در برقراری مدیریت آگاهی و تخصص در سازمان، دریافتند مدیریت منابع انسانی و مدیریت دانش مالی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند و تاکنون نیز بسیاری از طرح‌های مدیریت دانش مالی به علت بی توجهی به منابع انسانی به شکست انجامیده است و موفقیت این موسسات بدون در نظر گرفتن موارد مرتبط با نیروی انسانی، با توجه به ماهیت اجتماعی مدیریت دانش مالی، تقریباً ناممکن خواهد بود. یافته‌های این پژوهش نشانگر این است که به منظور برقراری ارتباط مدیریت دانش مالی باید هفت عامل ساختار و ساختارهای سازمانی، فرهنگ سازمانی، مدیریت منابع انسانی، فناوری اطلاعات، عوامل فرآیندهای مدیریت دانش، راهبردها و چشم اندازها و مؤلفه‌های محیطی و زیر مؤلفه‌های شناسایی شده هر یک را مورد توجه قرار داد و به کار بست. کوشا و رفیعی (۱۳۹۴) [19] در مقاله خود با عنوان پیشینه سازی اثربخشی پروژه‌های فن آوری اطلاعات از طریق مدیریت ریسک به این نتایج دست یافتند که مدیران سازمانها برای اینکه توانایی تصمیم‌گیری به موقع و چگونگی کاهش یا حذف ریسک‌های این فناوری را از طریق بکارگیری راه حل‌های فنی و مدیریتی مناسب پیدا کنند، باید دانش و مهارت خود را افزایش دهند. مدیریت ریسک بایستی یک فعالیت پیش‌گیرانه باشد. تشخیص و شناسایی به موقع ریسک‌های مرتبط با پروژه، می‌تواند باعث اتخاذ تصمیمات و روش‌های مناسب مدیریتی برای کاهش و حذف آنها و در نتیجه افزایش اثربخشی پروژه گردد. هاشمی و همکاران (۱۳۸۹) [25] در پژوهش خود با نام مدیریت دانش، الزامات و چالش‌ها به این نتایج دست یافتند که به راحتی می‌توان یک نظام متشکل از مدیریت دانش مالی ایجاد کرد، اگر همه، قوانین ساده شامل درگیر نمودن ذینفعان، بررسی دقیق ارزش دانش، ترغیب مشارکت کارکنان و ایجاد یک زیرساخت کارا و اثربخش مدیریت دانش مالی که می‌تواند هر کجا و هر زمانی در دسترس قرار گیرد را رعایت نمایند؛ پاسخ‌های مناسب، سریع و دقیق، برای ابتکارات مدیریت دانش مالی به دست خواهد آمد. برای سازمان‌های با فعالیت در عرصه جهانی، پاسخ سریع، دقیق و به موقع به چالش‌هایی که با آن مواجه می‌شوند تأثیر فرآیند مدیریت دانش مالی را بالاتر خواهد برد و باعث نگهداشت مزیت رقابتی در سطح جهانی خواهد شد. با وجود این موارد، مدیریت دانش مالی نیاز به دید کلی از سازمان دارد و مدیران باید چالش‌های پیش رو را با دید کلی مورد بررسی و اعمال نظر قرار دهند. سمیع پور و یحیایی (۱۳۹۷) [10] در پژوهش خود با عنوان نقش سرمایه فکری در ریسک شرکت‌ها دریافتند که ارزش افزوده سرمایه فکری و عوامل سازنده آن مانند توان سرمایه به کار گرفته شده، توان سرمایه انسانی و توان سرمایه ساختاری ارتباط منفی و معناداری با بتا و انحراف معیار شرکت‌ها که معیار اصلی ریسک است؛ دارند.

اسپنیدرانجان (۲۰۲۰) [65] در مقاله خود با عنوان روند دیجیتالی سازی زنجیره تامین: یکپارچه سازی مدیریت دانش مالی این موارد را پیشنهاد می‌دهند که مدیریت دانش مالی به ما امکان جمع آوری و تجزیه و تحلیل واقعیت‌های داخلی و خارجی و تولید داده‌ها را می‌دهند، بنابراین ریشه‌های داده‌ها دیجیتالی می‌شوند. می‌توان از مدیریت دانش مالی برای دیجیتالی سازی زنجیره تامین استفاده کرد و یک رویکرد یکپارچه را برای افزایش مزایای دیجیتالی سازی برای مدیریت زنجیره تامین پیشنهاد می‌دهند. و با ارائه یک مدل یکپارچه سهم بهینه سازی دیجیتالی زنجیره تامین را با عملکرد دیجیتالی سازمان و مزایای آن از طریق استفاده از مدیریت دانش مالی نشان می‌دهند. دارست و همکاران (۲۰۱۹) [37] در پژوهش خود با عنوان ارتباط بین دانش

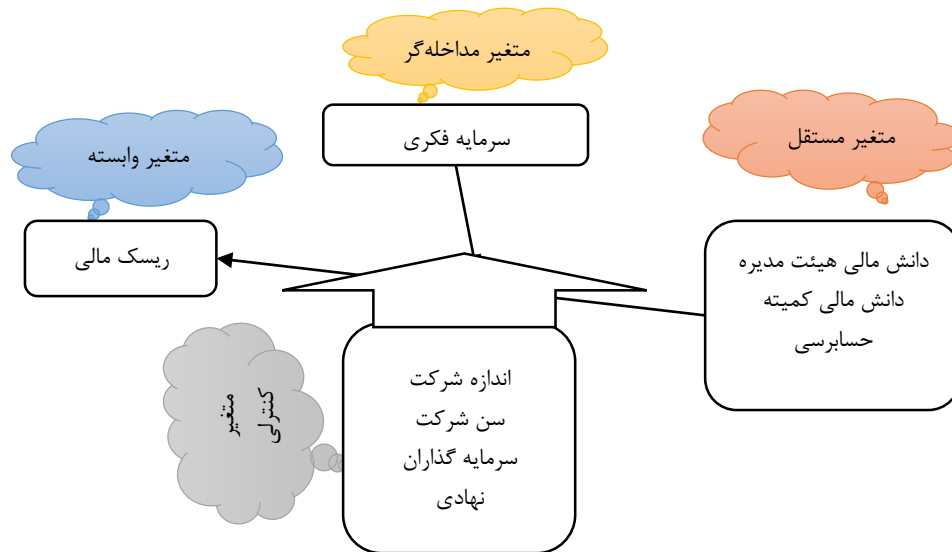
¹ Bentis
Schniederjans
Durst et al

مدیریت ریسک و عملکرد سازمانی تأثیر مدیریت ریسک (KRM) بر عملکرد سازمان را بررسی کرده اند و نتایج نشان داد که دانش مدیریت ریسک بر رشد و بالندگی، ثبات، پیروزی و موفقیت، ابداع و جدید بودن و سرعت عمل تأثیر مثبت می‌گذارد، با این حال، دانش مدیریت ریسک هیچ تأثیر مثبتی بر پاسخگویی سازمان ها نشان نمی‌دهد. نتایج می‌تواند به مدیران و مالکان کمک کند تا درک بهتری از ارتباط بین دانش مدیریت ریسک و عملکرد سازمانی داشته باشند. آنها می‌توانند از نتایج برای طراحی روش‌های مدیریت ریسک خود استفاده کنند. هو و همکاران (۲۰۱۸) [44] در مقاله خود با عنوان چارچوبی برای مدیریت دانش مالی همکاری دانشگاه و صنعت به این نتیجه رسیدند که با ادغام چهارچوب تحلیلی تصمیم و مدیریت دانش مالی می‌تواند بهره‌وری کارکنان را بهبود بخشد. استفاده مجدد از منابع، ایجاد انگیزه در کارمندان، افزایش تعداد حق ثبت اختراع و افزایش بودجه تحقیق و توسعه تحقیقات، آموزش و منابع انسانی و موارد استفاده را با هم ادغام می‌کند و بهره‌وری انسانی را بهینه‌سازی کند.

اینکینن (۲۰۱۶) [45] در مقاله خود با عنوان اثربخشی تحقیقات تجربی در مورد روش‌های مدیریت دانش مالی و عملکرد شرکت نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های مدیریت با اهمیت، تحریک‌کننده خلاقیت و ایجاد فرصت‌های جدید است. همچنین، ویژگی‌های خاص رهبری و سازمانی احتمالاً از طریق مدیریت موثرتر و کارآمدتر منابع دانش، از عملکرد شرکت حمایت خواهند کرد. این مطالعه نشان داد که ابداع روش‌های جدید نتیجه احتمالی استفاده از مدیریت دانش مالی است، اما مولفه‌های زیادی همچنان بر عملکرد مالی تأثیرگذار خواهند بود. همچنین، این مطالعه نشان می‌دهد که سازمان‌ها برای دستیابی به عملکرد ثابت از طریق مدیریت دانش مالی، باید به ویژگی‌های خاص مدیریت دانش مالی و ترتیبات سازمانی توجه کنند. اوسن و همکاران (۲۰۱۱) [59] در تحقیقی با عنوان "مدیریت ریسک مؤثر و عملکرد شرکت: سرمایه‌گذاری در نوآوری و سرمایه‌گذاری با استفاده از رویکرد رفتاری و عملی" بر توانایی پاسخ مدیریت ریسک به خارج از عوامل کنترل بازار متمرکز شده است تا تسهیل سودآوری سازمانی را افزایش دهد و این امر منجر به بهبود عملکرد شرکت می‌شود. نتایج تحقیق آنها نشان داد که ارتباط مثبت و معنی‌دار بین مدیریت ریسک کلیدی و عملکرد شرکت در شرکت‌هایی که در، توسعه و نوآوری سرمایه‌گذاری کرده‌اند و شرکت‌هایی که در سطح بالایی از سرمایه‌های فکری و صنایع دارای دانش سریع سرمایه‌گذاری می‌کنند، وجود دارد. سالبرانت و همکاران (۲۰۰۷) [64] در پژوهش خود به بررسی رابطه بین شفافیت گزارشگری سرمایه‌گذاری و بهبود مدیریت ریسک در شرکت‌های فناوری اطلاعات سوئدی اشاره کرده‌اند و دریافته‌اند بین شفافیت گزارشگری سرمایه‌گذاری و ریسک غیر سیستماتیک رابطه منفی وجود دارد و بین گزارشگری سرمایه‌گذاری و ریسک مالی یا ریسک سیستماتیک رابطه مثبت وجود دارد. با توجه به مبانی نظری پژوهش به نظر می‌رسد که کارگیری دانش تخصص در مدیریت کلان شرکت‌های بورسی به همراه ساختار مناسب سرمایه‌گذاری در نهایت کنترل و کاهش ریسک شرکت را بدنبال داشته باشد در نتیجه فرضیه‌های زیر تدوین می‌شود:

- ۱) دانش مالی هیئت مدیره بر ریسک مالی شرکت تأثیر معناداری دارد.
- ۲) سرمایه‌گذاری بر رابطه دانش مالی هیئت مدیره و ریسک مالی تأثیر دارد.
- ۳) دانش مالی کمیته حسابرسی بر ریسک مالی شرکت تأثیر معناداری دارد.

۴ سرمایه فکری بر رابطه دانش مالی کمیته حسابرسی و ریسک مالی تاثیر دارد.



شکل ۲) مدل مفهومی پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۳. روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر براساس هدف از نوع کاربردی بوده است، چرا که از نتایج حاصل از این مطالعه می‌تواند در جهت ارتقاء عملکرد و کاهش ریسک شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار بهره گرفت و مدیران مالی شرکت‌ها، تحلیل‌گران مالی و کارگزاران بورس و همچنین پژوهشگران و محققان دانشگاهی می‌توانند از یافته‌های این تحقیق برای فعالیت‌های کاری و علمی خود استفاده کنند. به لحاظ روش استنتاج مطالب، جزء تحقیقات توصیفی به حساب می‌آید. همچنین، از نظر نوع طرح مطالعاتی، تحقیق پیش‌رو از نوع پس‌روبودی^۱ خواهد بود. جامعه آماری شامل شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران که در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۹۸ فعالیت مستمر داشتند، تشکیل داده‌اند. از طرفی، به منظور اندازه‌گیری نمونه آماری از روش غربالگری داده‌ها استفاده شد؛ بدین صورت که ابتدا با بهره‌گیری از روش حذف سیستماتیک، شرکت‌های فاقد شرایط لازم برای ورود به تحقیق حذف گردیده و در نهایت، شرکت‌های واجد شرایط مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در ادامه مسائل مورد بررسی برای غربالگری شرکت‌ها و جدول نهایی ارائه شده است:

۱. شرکت‌هایی از ابتدای سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۳۹۸ به عنوان شرکت‌های پذیرفته شده بوده‌اند؛
 ۲. دسترسی کامل به صورت‌های مالی و سایر داده‌های مورد نیاز پژوهشی شرکت‌ها در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۹۸ وجود داشته باشد؛
 ۳. بیش از سه ماه در معاملات شرکت توقف عملیات و معاملات وجود نداشته باشد؛ و
 ۴. شرکت‌های مورد بررسی متعلق به صنایع بورسی «بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و سایر نهادهای پولی»، «سایر واسطه‌گری‌های مالی»، «سرمایه‌گذاری‌های مالی» و «شرکت‌های چندرشته‌ای صنعتی» نباشد.
- در نهایت ۱۲۳ با روش حذف سیستماتیک در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۹۸ به عنوان شرکت‌های مورد مطالعه برگزیده و مورد بررسی قرار گرفتند.

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: دانش مالی هیئت مدیره

در این تحقیق متغیر مستقل اول دانش مالی اعضای هیئت مدیره (BCOMP) می‌باشد که نحوه محاسبه آن به این صورت است که از نسبت اعضا هیئت مدیره با تخصص مالی به کل اعضا هیئت مدیره شده است.

در این تحقیق متغیر مستقل دوم دانش مالی اعضای کمیته حسابرسی (ACFL) می‌باشد که نحوه محاسبه آن به این صورت است که از نسبت اعضا کمیته حسابرسی با تخصص مالی به کل اعضا هیئت مدیره شده است.

متغیر وابسته: ریسک مالی

در شرکت ریسک مالی از بدهی نشأت میگیرد. شرکتی که مقدار بدهی آن افزایش یابد، ریسک مالی آن نیز افزایش مییابد. برای محاسبه ریسک مالی، نسبت بدهی به دارایی را به دست می آوریم.

متغیر تعدیل گر: سرمایه فکری

سرمایه فکری ارزش پنهانی است که از صورت های مالی حذف شده و باعث به وجود آمدن مزیت رقابتی در سازمان شده است، با نگاهی کوتاه به تعاریف سرمایه فکری می توان فهمید که محققان هنوز بر سر یک تعاریف واحد توافق نظر ندارند. ولی با وجود متنوع بودن تعاریف سرمایه فکری، توافق بر روی رویکردهای اقتصاد محور و دانش محور هست، به طوری که تعداد قابل توجهی از تحقیق کنندگان سه جزء اصلی سرمایه فکری را سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه مشتری عنوان کرده اند [6].

طبق مدل پالیک (۲۰۰۴) [61] سرمایه فکری دارای سه جز زیر است:

روش ضریب ارزش افزوده فکری: سرمایه فکری (VACI)

روش ضریب ارزش افزوده فکری (سرمایه فکری) اولین بار توسط پالیک و در سال ۱۹۸۸ برای استفاده همه جامعه عنوان گردید. که از جمله روش های مستقیم می باشد. این روش، جهت کنترل موثر و ارزیابی کارایی افزودن ارزش توسط تمامی منابع شرکت و اجزاء منابع اصلی آن طراحی شده است که برافزایش ارزش و نه کنترل بهای تمام شده تمرکز دارد. گام نخست در مدل پالیک محاسبه ارزش افزوده برای شرکت است [61].

$$VA = A + EC + OP + D$$

رابطه (۱)

که در آن:

A = استهلاک دارایی های نامشهود

EC = مخارج کارکنان (مخارج حقوق و دستمزد)

OP = سود عملیاتی

D = استهلاک دارایی های مشهود

در گام بعدی، کارایی سرمایه انسانی بدین صورت، محاسبه می شود:

$$HCE = VA / HC$$

رابطه (۲)

که در آن:

HCE = ضریب کارایی سرمایه انسانی

VA = ارزش افزوده

HC = سرمایه انسانی شرکت

کارایی سرمایه انسانی، بیان میدارد که چه مقدار ارزش افزوده توسط یک واحد پولی سرمایه گذاری شده در نیروی انسانی ایجاد می شود، ارزش افزوده (مجموع ستاده ها منهای داده ها) حاصل جمع سود عملیاتی، مخارج کارکنان و استهلاک اموال شرکت است و سرمایه انسانی شرکت، معادل مخارج حقوق و دستمزد در نظر گرفته می شود. اکنون در قدم بعدی، بهره وری سرمایه ساختاری به این شکل حساب می شود: [61]

$$SCE = SC / VA$$

رابطه (۳)

که در آن:

SCE = ضریب کارایی سرمایه ساختاری برای شرکت

SC/VA = سرمایه ساختاری برای شرکت

کارایی سرمایه ساختاری، سهم سرمایه ساختاری در ایجاد ارزش در شرکت است که میزان سرمایه ساختاری مورد نیاز برای ایجاد یک واحد پولی ارزش افزوده را اندازه گیری میکند و سرمایه ساختاری، حاصل کسر سرمایه انسانی از ارزش افزوده است. به منظور دستیابی به بینشی کامل در زمینه کارایی منابع خلق کننده ارزش، ضروری است که سرمایه مالی و فیزیکی را نیز منظور نماییم. سرمایه فکری به تنهایی قادر به خلق ارزش نیست. بنابراین در گام بعدی، کارایی سرمایه بکارگرفته شده بدین صورت محاسبه می شود: [61]

$$CEE = VA / CA$$

رابطه (۴)

که در آن:

CEE = ضریب کارایی سرمایه بکارگرفته شده برای شرکت

CA = سرمایه بکارگرفته شده [61]

کارایی سرمایه بکارگرفته شده، شاخصی است برای ارزش افزوده ایجاد شده توسط یک واحد سرمایه فیزیکی و مالی شرکت یعنی، سرمایه بکارگرفته شده و سرمایه بکارگرفته شده (سرمایه فیزیکی و مالی)، برابر با ارزش دفتری خالص دارایی‌های شرکت است. در قدم نهایی، به منظور حساب کردن کارایی کلی ایجاد ارزش، ضریب ارزش افزوده فکری، سه مولفه کارایی حساب شده باید با هم جمع شوند: [61]

$$\text{VACI} = \text{HCE} + \text{SCE} + \text{CEE} \quad \text{رابطه (۵)}$$

که در آن:

$$\text{VACI} = \text{ضریب ارزش افزوده فکری (سرمایه فکری)}$$

ضریب ارزش افزوده فکری، کارایی کلی یک شرکت را در ایجاد ارزش نشان می‌دهد [6]

متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت: (SIZE) لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت در انتهای سال مالی.
سن شرکت: (AGE) لگاریتم طبیعی سن شرکت از زمان تاسیس تا انتهای سال مورد بررسی.
سرمایه گذاران نهادی: (OWN) نسبت درصد سهام در مالکیت سرمایه گذاران نهادی به کل سهام منتشر شده توسط شرکت.

۴ تجزیه و تحلیل آماری

۱.۴. نتیجه آزمون فرضیه اول و دوم

دانش مالی هیئت مدیره بر ریسک مالی شرکت تاثیر معناداری دارد.
سرمایه فکری بر رابطه دانش مالی هیئت مدیره و ریسک مالی تاثیر دارد.

جدول ۱: نتیجه آزمون فرضیه اول

Table1: Test result of the first hypothesis

$$\beta \text{Risk}_{ij,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{BCOMP}_{it} + \beta_2 \text{Intel Cap}_{it} + \beta_3 (\text{BCOMP}_{it} * \text{Intel Cap}_{it}) + \beta_4 \text{Size}_{it} + \beta_5 \text{Age}_{it} + \beta_6 \text{OWN}_t + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته: ریسک مالی

سطح معناداری	z-آماره	خطای استاندارد	ضرایب	متغیرها
Prob	z-Statistic	standard error	Coefficients	Variables
۰,۰۲۰۰	-۲,۳۳۴۲۶۷	۰,۰۰۱۲۰۱	-۰,۰۰۲۸۰۴	Bcomp دانش مالی هیئت مدیره
۰,۰۰۰	-۴,۴۵	۰,۸۹۱۰	-۳,۹۶۹۴	سرمایه فکری
۰,۰۰۰	-۲۰,۴۴۶۸	۰,۰۱۸۸۰۱	-۰,۳۸۴۴۴	دانش مالی هیئت مدیره * سرمایه فکری
۰,۰۰۸	-۲,۶۵	۰,۰۴۷۸	-۰,۱۲۶۸	Bcomp* Intel cap
۰,۳۵	-۲,۱۱	۰,۱۶۵۱	۰,۳۴۷۸	اندازه شرکت
۰,۳۵	-۲,۱۱	۰,۱۶۵۱	-۰,۳۴۷۸	Size
۰,۰۰۹	۲,۶۱	۰,۹۱۰۸	۲,۳۷۳۵	سن شرکت
				Lnage
				سرمایه گذاران نهادی
				OWN
				عرض از مبدا
				Cons
				LR آماره
				LR statistics
				ضریب تعیین
				R-squared
				اف لیمر
				F-limer
				برپوش و پاگان

0,000	19466.09	Breusch and Pagan هاسمن
0,000	19466.09	Hosman test ناهمسانی واریانس
0,000	65.461	Heterogeneity of variance خودهمبستگی سریالی Serial Correlation

نتایج جدول ۱، نشان می دهد که دانش مالی هیئت مدیره و سرمایه فکری با ضریب منفی و سطح معنی داری زیر ۵ درصد، رابطه معکوس و معناداری با ریسک مالی دارند همچنین متغیر دانش مالی هیئت مدیره * سرمایه فکری دارای سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد است و چون ضریب آن منفی است بنابراین دانش مالی هیئت مدیره بر ریسک مالی تاثیر معکوس و معناداری دارد و فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار می گیرد. متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، سرمایه گذاران نهادی و عمر شرکت دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد هستند به این دلیل رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارند. ضریب مک فادن برابر با ۲ درصد می باشد که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند دو درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره LR برابر با ۴۴,۶۴ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد است از این رو می توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. سطح معناداری آزمون برونش و پاگان کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر تائید استفاده از الگوی داده های تابلویی (پانلی) می باشد. سطح معناداری آزمون هاسمن کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر پذیرش اثرات ثابت برای عرض از مبدا برای مدل رگرسیونی مطرح شده می باشد. ضریب تعیین برابر با ۲۹ درصد است که نشانگر این است متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند تقریباً ۳۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را بررسی کنند.

۲,۴. نتیجه آزمون فرضیه سوم و چهارم

دانش مالی کمیته حسابرسی بر ریسک مالی شرکت تاثیر معناداری دارد. سرمایه فکری بر رابطه دانش مالی کمیته حسابرسی و ریسک مالی تاثیر دارد.

جدول ۲: نتیجه آزمون فرضیه دوم

Table2: Test result of the second hypothesis

$$\beta Risk_{IT,T} = B_0 + B_1 ACFL_{IT} + B_2 Intel Cap_{IT} + B_3 (ACFL_{IT} * Intel Cap_{IT}) + B_4 SIZE_{IT} + B_5 AGE_{IT} + B_6 OWN_T + E_{IT}$$

متغیر وابسته: ریسک مالی
Dependent variable: F RISK

سطح معناداری Prob	آماره z z-Statistic	خطای استاندارد standard error	ضرایب Coefficient s	متغیرها Variables
0,002	-3.10	0.0012	-0.0038	دانش مالی کمیته حسابرسی ACFL
0,000	-5.23672	0.024221	-0.126828	سرمایه فکری Intel Cap
0,000	-13.2637	0.194665	-2.581987	دانش مالی کمیته حسابرسی * سرمایه فکری Aclf * Intel cap
0,000	-30.610	0.008009	-0.245150	اندازه شرکت Size
0,000	-3.87	0.0093	-0.0362	سن شرکت Lnage
0,000	-5.770	0.021628	-0.124792	سرمایه گذاران نهادی OWN
0,000	13.72	0.0598	0.8212	عرض از مبدا cons
0,000		36,86		آماره والد Wald statistics

۰,۶۱۶۴		ضرب تعیین
۰,۰۰۰	۸۷,۱۴	R-squared
۰,۰۰۰	۹۱,۱۴۵۱	اف لیمر
۰,۰۰۰	۱۹۴۶۶,۰۹	F-limer
۰,۰۰۰	۱۹۴۶۶,۰۹	بریوش و پاگان
۰,۰۰۰	۱۹۴۶۶,۰۹	Breusch and Pagan
۰,۰۰۰	۶۵,۴۶۱	هاسمن
		Hosman test
		ناهمسانی واریانس
		Heterogeneity of variance
		خودهمبستگی سریالی
		Serial Correlation

نتایج جدول ۳، نشان می دهد که متغیر مستقل دانش مالی کمیته حسابرسی و متغیر مداخله گر سرمایه فکری با ضریب منفی و سطح معنی داری زیر ۵ درصد، رابطه معکوس و معناداری بر ریسک مالی شرکت دارند همچنین متغیر دانش مالی کمیته حسابرسی * سرمایه فکری دارای سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد است بنابراین دانش مالی کمیته حسابرسی و سرمایه فکری بر ریسک مالی تاثیر معکوس و معناداری دارد و فرضیه ۲ در سطح اطمینان ۹۵ درصد قبول می شود. متغیرهای کنترلی سایز شرکت، عمر شرکت و سرمایه گذاران اصلی دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد و دارای ضریب منفی هستند از این جهت رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارند. سطح معناداری آزمون چاو کمتر از ۵ درصد بوده و نشاندهنده پذیرش الگوی پانلی داده ها می باشد. سطح معناداری آزمون بریوش و پاگان کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر تائید استفاده از الگوی داده های تابلویی (پانلی) می باشد. سطح معناداری آزمون هاسمن کمتر از ۵ درصد بوده و نشانگر مقبول بودن اثرات ثابت برای عرض از مبدأ برای مدل رگرسیونی مطرح شده می باشد. سطح معنی داری آزمون والد تعدیل شده در مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد می باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص می باشد که این مشکل در تخمین نهایی مدل ها با اجرای دستور LS رفع شده است. آزمون والد در این پژوهش دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده و نشان می دهد که وجود خودهمبستگی سریالی در مدل ها وجود دارد. که این مشکل در تخمین نهایی مدل با اجرای دستور Auto Correlation رفع شده است. ضریب تعیین برابر با ۶۱ درصد می باشد که نشانگر این است متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۶۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تشریح کنند. آماره والد برابر با ۳۶,۸۶ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که مدل برازش شده دارای اعتبار لازم خواهد بود.

۳,۴. برازش مطلوب مدل رگرسیونی

در آزمون هاسمر-لمشو اگر سطح معناداری آزمون بیشتر از ۵ درصد باشد نشان دهنده برازش مطلوب مدل رگرسیونی است در غیر این صورت مدل برازش شده فاقد اعتبار کافی خواهد بود.

جدول ۳: نتایج آزمون هاسمر لمشو برای مدل رگرسیونی پژوهش
Table 3: Results of Hosmer Lemshow test for research regression model

هاسمر لمشو		نام آزمون
HOSMER LEMSHOW		TEST NAME
سطح معناداری	آماره آزمون	فرضیه
Prob. F	F-statistic	HYPOTHESIS
۰,۹۷۷۴	۲,۱۱	فرضیه اول و دوم
۰,۳۶۰۱	۸,۷۹	فرضیه سوم و چهارم

با توجه به نتایج جدول ۳، مشاهده می شود سطح معناداری آزمون هاسمر - لمشو برای فرضیه اول و دوم پژوهش بیش از ۵ درصد است و سطح برازش مدل رگرسیونی مطلوب خواهد بود.

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

¹ Hasmer-Lemshow

این پژوهش به بررسی ارتباط بین مدیریت دانش مالی بر کاهش ریسک با تاکید بر نقش سرمایه فکری، بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی ارتباط بین دانش مالی هیئت مدیره و دانش مالی کمیته حسابرسی تحت عنوان متغیر مستقل بر روی ریسک مالی شرکتها به عنوان متغیر وابسته با توجه به نقش سرمایه فکری به عنوان متغیر تعدیل گر پرداخته است. نتایج حاصل از آزمون مدل رگرسیون به شرح جدول ۱، چنین برداشت می شود که مقدار مربوط به آماره f که بیانگر معنی دار بودن کل رگرسیون می باشد، برابر ۰,۰۰۰ بوده و حاکی از آن است که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار خواهد بود ضریب تعیین تعدیل شده F2 در مدل اول برابر ۰,۲۹۹ بوده و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۳۰٪ از تغییرات متغیر معنادار می باشد. نتایج آزمون فرضیه اول حاکی از آنست که دانش مالی هیئت مدیره تاثیر معکوس و معناداری بر کاهش ریسک شرکت دارد. ضریب متغیر سرمایه فکری هم در مدل اول برابر با عددی منفی است و عدد معناداری این متغیر ۰,۰۰۰ است و نشانگر این است که سرمایه فکری رابطه معکوس و معناداری با ریسک مالی شرکت دارد. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش های حسینی و کاشفی نیشابوری (۱۴۰۰) [4]، رضایی و حیدرزاده (۱۳۹۳) [5]، جلیلی و مشیری (۱۳۸۷) [2]، صالح نژاد و کامران راد (۱۳۹۲) [12] و جعفری، ابن رسول و دیده ور (۱۳۸۵) [3] مطابقت دارد. در رابطه با آزمون فرضیه دوم مشخص شد که دانش مالی کمیته حسابرسی هم تاثیر معکوس و معناداری بر ریسک مالی شرکت دارد. ضریب متغیر سرمایه فکری در مدل دوم هم برابر با عددی منفی است و عدد معناداری این متغیر ۰,۰۰۰ است که نشانگر معنادار و معکوس بودن آن می باشد. با توجه به نتایج حاصل از آزمون مدل رگرسیون به شرح جدول ۱، چنین برداشت می شود که مقدار مربوط به آماره f که برابر ۰,۰۰۰ بوده و حاکی از آن است که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار خواهد بود و در مدل دوم ضریب تعیین تعدیل شده F2 در مدل دوم برابر ۰,۶۱۶۴ بوده و نشان دهنده این مطلب است که تقریباً ۶۲٪ از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل قابل تشریح است، که نشان دهنده قدرت توضیح دهندگی خوبی از این رگرسیون است. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش های کرمی و فصیحی (۱۳۹۵) [18] و روستایی، بذرافشان و وکیلان (۱۳۹۹) [8] مطابقت دارد.

با توجه به نتایج این تحقیق، پیشنهادهایی به شرح زیر بیان می گردد:

با توجه به تأیید هر دو فرضیه این تحقیق و تاثیر برعکس و معنادار سرمایه فکری بر کاهش ریسک، پیشنهاد می شود که شرکتها جهت ارزش آفرینی و ارتقای موقعیت خود در بازار سرمایه، در کنار سرمایه فیزیکی اهمیت ویژه ای به سرمایه های فکری اختصاص دهند. از آنجائیکه مسئولیت خلق دانش جدید به عهده گروه مدیریت ریسک نیست، لازم است این گروه به عنوان یک شاخص ارزیابی داخلی، مستقل و آگاه دانش مدیریت ریسک سازمان را همواره مورد بازنگری قرار داده، همچنان که یکپارچگی فرهنگ و سیستم های کنترل سازمان را ارزیابی مینمایند. به بنگاههای اقتصادی، سهامداران، سرمایه گذاران و بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می شود که جهت کاهش و مدیریت ریسک در سازمان از مدیران و کمیته حسابرسان متخصص و دارای دانش مالی استفاده کنند. مهمترین محدودیت های پژوهش حاضر، افشا نشدن کامل اطلاعات در مورد ویژگی های کمیته حسابرسی و نداشتن اطلاعات در مورد سرمایه فکری کارکنان بوده است.

منابع

- [1] آخوندزاده، علی، و وظیفه، زهرا. (۱۳۹۵). ارزیابی عوامل موثر بر موفقیت مدیریت دانش مالیدر شرکت پیمانکاری و ساختمانی جهاد نصر در سیستان بلوچستان. مجله بین المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۳)
- [2] جلیلی، آرزو، و مشیری، اسماعیل. (۱۳۸۷). دیدگاه های سرمایه گذاران حرفه ای و غیر حرفه ای در خصوص اثربخشی هیات مدیره و اثرات آن بر تصمیمات سرمایه گذاری آنها. علوم مدیریت ایران، ۳(۱۰)، ۸۷-۱۰۵
- [3] جعفری مصطفی، ابن الرسول سیداصغر، دیده ور فاطمه. نقش مدیریت دانش و فناوری اطلاعات در مدیریت ریسک پروژه.
- [4] حسینی، نگین، کاشفی نیشابوری. (۲۰۲۱). توانایی مدیریتی، کارایی سرمایه گذاری و خطر سقوط سهام. مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۱۲(۴۶)، ۷۴۰-۷۱۷
- [5] حیدرزاده، شهین و رضایی، فرزین. (۱۳۹۳). تأثیر اعتبار هیات مدیره بر رابطه بین هزینه های نمایندگی و بازده غیرعادی انباشته در شرکت های بیش (کم) سرمایه گذار. مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۲(۲)، ۹۹-۱۲۲
- [6] دستگیر، محسن و محمدی، کامران (۱۳۸۸). سرمایه فکری گنج تمام نشدنی سازمان. فصلنامه تدبیر، شماره ۲۴، ۲۹-۱، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۲۷۰-۲۵۱
- [7] رازینی، سینا، میلاد. (۱۳۹۷). ارائه دسته بندی جامع از عوامل کلیدی مؤثر در استقرار مدیریت دانش مالی سازمانی. فصلنامه مدیریت دانش سازمانی، ۱۳۳-۱۶۸، (۱۱)
- [8] روستایی، بذرافشان، آمنه، وکیلان. (۱۳۹۹). نقش دستورالعمل کنترل های داخلی، کمیته حسابرسی و تخصص مالی هیئت مدیره بر رابطه تخصص مالی مدیر عامل و حق الزحمه حسابرسی. دانش حسابرسی، ۲۰(۷۸)، ۰-۰
- [9] سلیم پور، مریم. (۱۳۸۴). "بررسی اثر نقدشوندگی سهام بر روی بازده مازاد سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- [10] سمیع پور، مجتبی و یحیائی لیموئی، جلال، ۱۳۹۵، نقش سرمایه فکری در ریسک شرکت ها، دومین کنفرانس بین المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی، تهران
- [11] شرفی، علی؛ نوروزی، اسمعیلی گیوی و حیدری دهونی، جلیل (۱۳۹۹). ارائه مدل مفهومی مدیریت دانش مالی اجتماعی با استفاده از روش فراترکیب. فصلنامه مدیریت راهبردی دانش سازمانی، ۳(۹)، ۵۱-۹۶
- [12] صالح نژاد، کامران راد. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه فکری و ریسک سیستماتیک (β) (مطالعه موردی: شرکت های داروسازی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). فصلنامه پژوهشهای نوین در حسابداری، ۱(۱)، ۲۶-۳۶

- [13] طحان پور، آرائی، وحید. (1399). بررسی تأثیر توانمندسازهای مدیریت دانش مالیر عملکرد سازمانی با در نظر گرفتن نقش میانجی فرایند ایجاد دانش و نقش تعدیلگر سبک‌های تصمیم‌گیری (نمونه پژوهش: سازمان امور مالیاتی کشور). *فصلنامه مدیریت راهبردی دانش سازمانی* ۲۱۲-۲۱۷، ۳۰(۱۰).
- [14] غفاری، عباس، آذرماه (۱۳۸۹) حاکمیت شرکتی و نقش‌های نوین هیات مدیره". هشتمین کنفرانس بین المللی مدیریت سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران.
- [15] فاتحی، ز. (۱۳۹۰) مدیریت دانش مالی (مفاهیم، اصول، اهداف و مدل‌ها). نشریه پیوند نو. ش ۲۰۳
- [16] قنادان، علیرضا؛ امام‌علیزاده، نسرتین (۱۳۸۷). شناسایی و رتبه‌بندی فاکتورهای موثر بر وفاداری الکترونیکی مشتریان در کسب و کارهای الکترونیکی با استفاده از روش بردار ویژه. تهران: پنجمین همایش ملی تجارت الکترونیکی.
- [17] قنبری، سیروس، کریمی، ایمان. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر آموزش ICT بر پذیرش اثربخش فناوری اطلاعات. چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۳۰، ۹۷-۱۱۵.
- [18] کرمی، غلامرضا و فصیحی، صغری، (۱۳۹۵). تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، همایش ملی حسابرسی و نظارت مالی ایران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۱
- [19] مرتضی کوشا، محمود رفیعی. ۱۳۹۴. بیشینه‌سازی اثربخشی پروژه‌های فن‌آوری اطلاعات از طریق مدیریت ریسک. کنفرانس بین المللی مدیریت و اقتصاد در قرن ۲۱
- [20] مشایخی، بیتا و سیدجلال سیدی و هستی زرگران یزد، (۱۳۹۳) "بررسی عوامل مؤثر بر افزایش سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی
- [21] مصطفی، عماد زاده، (۱۳۷۵) مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش"، انتشارات جهاد دانشگاهی چاپ هفتم
- [22] مرادزاده‌فرد، مهدی؛ ناظمی اردکانی، مهدی؛ غلامی، رضا و فرزانی، حجت‌الله (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۵، ۹۸-۸۵.
- [23] منوریان، عباس، امینی، آزاده. (۱۳۸۹). آیا تعاملات درون شبکه‌ها منجر به مدیریت دانش مالی می‌شود؟. سری استراتژی‌های تجاری.
- [24] موغلی، بهمنیاری، حمید، دانشور، بهاره، معصومی، رحیم. (۱۳۹۴). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مدیریت دانش مالیر دانشگاه علوم پزشکی شیراز. مجله بین رشته‌ای یادگیری مجازی در علوم پزشکی، ۲۶(۲)، ۵۱-۴۰.
- [25] هاشمی صدیقه سادات، محمدی مقدم یوسف، محمدی مقدم الهام. مدیریت دانش، الزامات و چالش‌ها
- [26] Abbott, L. J., & Parker, S. (2000). Auditor selection and audit committee characteristics. *Auditing: A journal of practice & theory*, 19(2), 47-66.
- [27] Abbott, L. J., Parker, S., & Peters, G. F. (2004). Audit committee characteristics and restatements. *Auditing: A journal of practice & theory*, 23(1), 69-87.
- [28] Baatwah, S. R., Salleh, Z., & Ahmad, N. (2015). CEO characteristics and audit report timeliness: do CEO tenure and financial expertise matter? *Managerial Auditing Journal*, 30(8/9): 998-1022
- [29] Blue Ribbon Committee (BRC). (1999). Report and Recommendations of the Blue Ribbon Committee on Improving the Effectiveness of Corporate Audit Committees. Stamford, CT: BRC.
- [30] Bontis, N., Keow, W. C. C., & Richardson, S. (2000). Intellectual capital and business performance in Malaysian industries. *Journal of intellectual capital*.
- [31] Chen, J., Zhu, Z., & Xie, H. Y. (2004). Measuring intellectual capital: a new model and empirical study. *Journal of Intellectual capital*.
- [32] Cohen, J., Krishnamoorthy, G., & Wright, A. M. (2002). Corporate governance and the audit process. *Contemporary accounting research*, 19(4), 573-594.
- [33] DeZoort, F. T., Hermanson, D. R., Archambeault, D. S., & Reed, S. A. (2002). Audit committee effectiveness: A synthesis of the empirical audit committee literature. *Audit Committee Effectiveness: A Synthesis of the Empirical Audit Committee Literature*, 21, 38.
- [34] DeZoort, F. T., & Salterio, S. E. (2001). The effects of corporate governance experience and financial-reporting and audit knowledge on audit committee members' judgments. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 20(2), 31-47.
- [35] Dierickx, I., & Cool, K. (1989). Asset stock accumulation and sustainability of competitive advantage. *Management science*, 35(12), 1504-1511.
- [36] Davenport, T. H., & Prusak, L. (1998). Working knowledge: How organizations manage what they know. Harvard Business Press.
- [37] Durst, S., Hinteregger, C., & Zieba, M. (2019). The linkage between knowledge risk management and organizational performance. *Journal of Business Research*, 105, 1-10.
- [38] Edvinsson, L., & Sullivan, P. (1996). Developing a model for managing intellectual capital. *European management journal*, 14(4), 356-364.
- [39] Firer, S., & Stainbank, L. (2003). Testing the relationship between intellectual capital and a company's performance: evidence from South Africa. *Meditari: Research Journal of the School of Accounting Sciences*, 11(1), 25-44.
- [40] Forker, J. J. (1992). Corporate governance and disclosure quality. *Accounting and Business research*, 22(86), 111-124.
- [41] Gupta, B., Iyer, L. S., & Aronson, J. E. (2000). Knowledge management: practices and challenges. *Industrial management & data systems*.
- [42] Hoffman, J., Hoelscher, M. L., & Sheriff, K. (2005). Social capital, Knowledge Management and sustained a superior performance. *Journal of Knowledge Management*, p 93-100.
- [43] Hope, O., & Thomas, W. B. (2008). Managerial empire building and firm disclosure. *Journal of Accounting Research*. 46: 591-626.
- [44] Hu, Y. F., Hou, J. L., & Chien, C. F. (2018). A framework for knowledge management of university-industry collaboration and an illustration.
- [45] Inkinen, H. (2016). Review of empirical research on knowledge management practices and firm performance. *Journal of knowledge management*, 20(2), 230-257.
- [46] Jiang, F., Wang, G., and Jiang, Xu. (2019). Entrepreneurial orientation and organizational knowledge creation: A configurational approach. *Asia Pacific Journal of Management*, 1-27.
- [47] Kalbers, L. P., & Fogarty, T. J. (1993). Audit committee effectiveness: An empirical investigation of the contribution of power. *Auditing*, 12(1), 24.

- [48] Kirkpatrick, M. G. (2006). Intellectual assets and value creation: implications for corporate reporting. Organization for Economic Co-operation and Development.
- [49] Kusnadi, Y., Leong, K. S., Suwardy, T., & Wang, J. (2016). Audit committees and financial reporting quality in Singapore. *Journal of business ethics*, 139(1), 197-214.
- [50] Lambert, R., Leuz, C., & Verrecchia, R. (2007). Accounting information, disclosure and the cost of capital. *Journal of Accounting Research*, 45: 385-420
- [51] Liang, S. X., & Wei, J. K. C. (2012). Liquidity risk and stock returns around the world. *Journal of Banking and Finance*, 36(12): 3274-3288.
- [52] McNichols, M., & Stubben, S. (2008). Does earnings management affect firms' investment decisions. *The Accounting Review*, 86: 1571-1603
- [53] Mohd-Saleh, N., & Abdul Rahman, M. R. (2009). Ownership structure and intellectual capital performance in Malaysia. *Asian Academy of Management Journal of Accounting and Finance*, 5(1), 1-29.
- [54] Moroz, O.V. (2020). Model of Self-organizing Knowledge Representation and Organizational Knowledge Transformation. *American Journal of Artificial Intelligence*, 1(4), 1-19.
- [55] Ng, J. (2011). The effect of information quality on liquidity risk. *Journal of Accounting and Economics*, 52: 126-143.
- [56] Nonaka I, Takeuchi H. (1995), *Knowledge-Creating Company*, Knowledge-Creating Company, issue December 1991, pp. 3-19.
- [57] Nonaka, Ikujiro., Konno, Noboru.(1998), " The concept of Ba: Building A foundation for Knowledge Creation", *California Management review*,40(3).
- [58] Nonaka, Ikujiro. Toyama, Ryoko. & Konno, Noboru. (2000b)," SECI, Ba and Leadership: a Unified Model of Dynamic Knowledge Creation", *Long Range Planning* 33, pp5-34,Pergamon
- [59] oo hsen J, Arzzoo AC, hhh dd B (2011) Effecvvve rssk mnnagement oompny's prr formnee:Investment in innovations intellectual capital using behavioural practical approach. *Journal of Economics International Finance* 3: 780-786.
- [60] Othman, R., Ishak, I. F., Arif, S. M. M., & Aris, N. A. (2014). Influence of audit committee characteristics on voluntary ethics disclosure. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 145, 330-342.
- [61] Pulic, A. (2004). Intellectual capital—does it create or destroy value?. *Measuring business excellence*.
- [62] Raghunandan, K., & McHugh, J. (1994). Internal auditors' independence and Interactions with audit committees: challenges of form and substance. *Advances in Accounting*, 12(1), 313-33.
- [63] Ruhose, J., Hanushek, E. A., & Woessmann, L. (2016). Knowledge Capital and Aggregate Income Differences: Development Accounting for US States.
- [64] Sällebrant, T., Hansen, J., Bontis, N., & Hofman-Bang, P. (2007). Managing risk with intellectual capital statements. *Management decision*.
- [65] Schniederjans, D. G., Curado, C., & Khalajhedayati, M. (2020). Supply chain digitisation trends: An integration of knowledge management. *International Journal of Production Economics*, 220, 107439.
- [66] Stewart, T. A. (1991). Brain power: Who owns it... How they profit from it. *Fortune*. Retrieved March 17, 1997.
- [67] Wang, Y. (2017). Debt market friction, firm-specific knowledge capital accumulation and macroeconomic implications. *Review of Economic Dynamics*, 26, 19-39.
- [68] Wickramasinghe, N., Rubitz,D (2007). Knowledge-based enterprise: Theories and fundamentals: Theories and fundamentals. Igi Global.
- [69] Zhang, H., Zhang, Y., Zhou, S., & He, Y. (2020). Corporate Cash Holdings and Financial Constraints—An Analysis Based on Data on China at Company Level after the Global Financial Crisis. *Emerging Markets Finance and Trade*, 56(7), 1490-1503.